

گفت‌وگویی صبا با عوامل فیلم «درون ماهی»

## تعبیری از آینده که ممکن است



فیلم درون ماهی به نویسندگی و کارگردانی بهزاد وزیری و تهیه‌کنندگی مسعود وزیری که کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی را از دانشگاه صدا و سیما دارد تولید شده است. این دو برادر در زمینه تئاتر و فیلم مستند نیز فعالیت‌های بسیاری داشته و فیلم درون ماهی را با گروهی از بازیگران تئاتر که بومی شهرستان آبادان هستند ساخته‌اند. خبرنگار صبا به بهانه اکران این فیلم در گروه هنر و تجربه گپ و گفتی با عوامل این فیلم داشته که در ادامه می‌خوانید.

مریم عظیمی  
گفت و گو

بهزاد وزیری:

کاراکترهایی که هر کدام آبیستن حادثه‌ای هستند  
ایده این فیلمنامه چگونه شکل گرفت؟

این فیلمنامه بر اساس یکی از نمایشنامه‌هایی است که خودم نوشته و سال ۸۷ اجرا کردم شکل گرفت. در طول اجراهای آن نمایش به این نتیجه رسیدم که سینما مدیوم مناسب‌تری برای این اثر است. به همین خاطر روی این اثر کار کردم تا در سال ۹۶ استارت فیلمبرداری زده شد.

در مورد اسم فیلم برای مان بگوئید.

اسم درون ماهی، از یک کهن الگو که در مذاهب ابراهیمی وجود دارد برآمده است. همان شکم ماهی که حضرت یونس به خواست خدا درونش قرار می‌گیرد و داستانش از آنجا آغاز می‌شود و این تعبیری از زندانی است که به اجبار در آن قرار می‌گیریم. علت انتخاب اسم این بود که به نظرم هر کدام از شخصیت‌های این داستان به نوعی درون یک ماهی گرفتار شده‌اند و در واقع این یک اسم تاویلی است.

الگوی ژانر یک فیلم شما چیست؟

فیلم به نظرم رئالیستی است ولی من این فیلم را در واقع یک نئونوار می‌دانم. یک سینمایی مستقل لوباجت که به مسائل سخت و پیچیده‌ای که کاراکترها را به سمت جرم و جنایت سوق داده است می‌پردازد اما به شکلی که خودمان این را مطرح کرده‌ایم و نه به شکل نئونواری که در هالیوود یا کشورهای دیگر ساخته می‌شود و مشخصاً با آنها تفاوت بسیار دارد.

در ابتدای فیلم، پدر داستان را روایت می‌کند اما پس از مدتی شکل روایی داستان تغییر می‌کند. از این دگرگونی روایی که در فیلم است بگوئید.

روایت فیلم کپشن دارد و نوشته‌هایی با مضمون دیروز، امروز و فردا دیده می‌شود. در واقع ما با زمان چه به عنوان زمانی که این اتفاقات رخ می‌دهد و چه به معنای فلسفی‌اش بازی کرده‌ایم. گذشته، حال و آینده که همان دیروز، امروز و فرداست اما مفهومش پرده سیاهی است که در برابر چشم ما قرار می‌گیرد و تماشاگر را از روایتی که داخل فیلم است جدا می‌کند تا روایت دومی آغاز شود. پدر در بخش گذشته و دیروز صحبت می‌کند و بیش از آنکه روایت کند تاریخچه آن زندگی را می‌گوید و کاراکترها را معرفی می‌کند. روایت بیشتر از نگاه یوسف است. ما روی روایتگری هم بازی کردیم و یک جایجایی روی آن انجام دادیم تا داستان لایه لایه تر شود.

خشونت در فیلم وجود دارد که شکل عریان آن را شاید فقط در یک لحظه می‌بینیم اما این خشونت حتی در آن تضاد طبقاتی و لوکیشن فیلمبرداری که محیطی خشک و به نظر حاشیه شهر است نیز دیده می‌شود. در این مورد بگوئید.

من بیشتر تعبیر خشم را به جای خشونت به کار می‌برم. خشمی در کاراکترها و روابطشان وجود دارد اما در معدود دفعاتی به خشونت می‌رسد. یک خشم عجیبی بین مادر و فرزند، برادر و خواهر، پسر و مادر، اعضای گروه باند مواد، عاشق و خانواده معشوقش و برادر با برادر که گاهی این خشم می‌تواند بر اساس همان اختلاف طبقاتی و عدم عدالت در تقسیم ثروت که باعث می‌شود کاراکترها نتوانند خود را به آن حد درآمد برسانند باشد. جامعه کوچک موجود در این فیلم خشمگین است و این خشم در تقابل با هم نمود پیدا می‌کند. مادر نسبت به فرزندانش به شدت خشم دارد و حتی در یک مورد خشونت هم به کار می‌برد. اما ما در عین حال یک کاراکتر داریم که نقش پدر این خانواده را بازی می‌کند و در واقع ترنس است و خود از یک جامعه خشونت دیده برمی‌آید. شاید بتوان گفت که مهربان‌ترین کاراکتر داستان اوست و نقش مادر را بازی می‌کند حال آنکه خشم مادر فیلم بیشتر شبیه یک پدرسالار است و بچه‌ها به خاطر همین خصوصیت مادرانه که پدر دارد بیشتر به او نزدیک هستند و تقریباً تنها کاراکتری است که خشمی ندارد و این مسلماً به برداشت من از جامعه برمی‌گردد که در این فیلم نمود پیدا کرده است.

در مورد کاراکتر داماد بگوئید.

تصور من در مورد کاراکتر داماد اینگونه بود که این مرد یک

او کاشته شده است.

بله خشم و تمام بدبختی‌هایی که قبل از به وجود آمدن او رخ داده است. شاید حتی این تقدیر است که باعث می‌شود یوسف به دختر دلخواهش نرسد و سرانجام عاملی برای مرگ کودک او شود. درست به مانند شکم ماهی که اینجا مانند شکم مادر است، خود یوسف هم در داخل شکمش مواد دارد و به نوعی همه این کاراکترها آبیستن حادثه‌ای هستند و تراژدی اینجاست که این بچه که زاده عشق نافر جام یوسف است کشته شده و در نهایت یوسف از این امر مستاصل می‌شود.

چالش برانگیزترین مسئله در ساخت این فیلم چه بود؟

سال ۹۶ بزرگترین چالش ما همین کاراکتر پدر بود چرا که در آن زمان هنوز امکان صحبت در مورد جامعه‌ال جی بی تی نبود و یک خط قرمز محسوب می‌شد و به خاطر اینکه فیلم هم مستقل بود ما نمی‌دانستیم که تا چه حد می‌توانیم وارد این حوزه شویم. اینکه چقدر دستمان برای طرح مسائل این کاراکتر باز است از گریم و لباسش بگیریم تا رفتارهایی که در فیلم نشان می‌دهد.

سخن پایانی

یک نکته مهم در مورد اپیزود سوم فیلم وجود دارد که خیلی از دوستان اعتقاد دارند در اپیزود سوم زمانی یونس که مواد را در سطل زباله می‌اندازد می‌توانست در ادامه به دنبالش بروند و به قولی مواد را دوباره پس بگیرند. ولی کار ما دقیقاً به همین علت نئونوار محسوب می‌شود و آن اتفاقی که در پرده سوم می‌افتد تعبیری از آینده است و ممکن است اتفاق نیفتد. پدر در ماشین نشسته و فکر می‌کند که

عاشق است و ترس از این دارد که این ازدواج انجام نشود چرا که هم خانواده‌اش راضی نیستند و هم مدام این استرس را دارد که خانواده دختر با این وصلت مخالفت کنند. در واقع من نمونه‌هایی از این جوان‌هایی که وقتی عاشق می‌شوند و کمی منطقی خود را از دست می‌دهند را دیده‌ام. پسر تنها به عشق فکر می‌کند حتی این ترس را هم دارد که مبادا دختر به خاطر مصائب و مشکلاتی که در خانواده دارد او را برای ازدواج انتخاب کرده و ما از این عاشق دل سوخته برای اینکه بتوانیم روایت‌مان را جلو ببریم استفاده کرده‌ایم. اگر اصرارهای او نباشد شاید تنش موجود در داستان شکل دیگری پیدا کند.

از ابتدای حضور کاراکتر زن باردار که در واقع یوسف پیش از این عاشقش بوده حدس اتفاق پایانی داستان چندان سخت نیست در این مورد چه فکر می‌کنید؟

ممکن است این به خاطر تعدد فیلم‌هایی باشد که شما به صورت تخصصی نگاه می‌کنید ولی من قصدم این نبود که از ابتدا تماشاگر این را حدس بزند. احتمالاً کسانی که با منطق قصه آشنا هستند مانند شما این مسئله را حدس بزنند اما مخاطب عام احتمالاً به این مسئله فکر نکند. کسانی که خیلی اهل سینما هستند شاید به لحاظ علت و معلولی متوجه شوند که به هر حال باید یک اتفاقی برای این شکم بیافتد و نشانه قدرتمندی است که نوید یک اتفاقی را می‌دهد به خصوص پس از کشف رابطه بین زن و یوسف در گذشته، این بچه تولید ازدواجی است که یوسف از آن بیزار است و در نهایت قربانی او می‌شود. به نظرم این جنین می‌تواند نشانه نسل آینده باشد که هنوز به دنیا نیامده قربانی خشونت و خشمی است که قبل از